

مجله و آپارتمان‌های پرزرق و برق پاریس را رها کرده بود و در مکانی سکنا گزیده بود که نه آب لوله کشی داشت و نه برق و تلفن. او در خلوت این روستا به گوشه‌ای از ذوق و هنر ایرانی پی برده بود که آن را این گونه بیان می‌کند:

“فرشته ذوق و الهام، همان طور که می‌دانیم، به هر جا رازده کند، روح و معنا می‌دهد؛ ولی به نظر می‌رسد که به جمال‌آباد، بیشتر از هر جای دیگر دمیده است. به همین سبب، این خانه را برای معرفی معماری متواضع و آشنای ایرانی انتخاب کرده‌ام. خانه برلندی قرار گرفته و آفتابگیر است. و همین از علاقه خاص ایرانی به فضا حکایت می‌کند (۶: ۲۵۲).”

آندره گدار^۲ در سال ۱۸۸۱ میلادی در پاریس به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دانشکده هنرهای زیبای پاریس به پایان برد. در سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق با ۱۹۲۹ میلادی به دعوت دولت وقت ایران، برای سازماندهی و راه‌اندازی اداره کل باستان‌شناسی وارد کشور گردید. وی به موجب قراردادی رسمی که به امضای وزیر وقت معارف رسیده بود، اداره موزه وزارت معارف را تا سال ۱۳۱۲ عهده‌دار بود. از ابتدای سال ۱۳۱۳ با حفظ سمت، به ریاست کتابخانه وزارت معارف و با تأسیس موزه ایران باستان به سمت مدیر کل موزه منصوب شد (۶: ۷؛ ۷: ۲۳۶۸).

خدمات فرهنگی

آندره گدار در مدت ۳۲ سال اقامت در ایران، علاوه بر آنکه در مسئولیت‌های متعددی همچون: مدیر کل عتیقات (عتیقه‌جات) و رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، خدمت می‌نمود از بسیاری آثار تاریخی و باستانی در سراسر ایران بازدید کرد. کوشش‌های او تنها به تحقیق و کاوش درباره این آثار محدود نمی‌شد. او با همتی مثال‌زدنی و با کوشش فراوان، حفاظت و

نگهداری از این آثار را جزو اهداف خود قرار داد. نامه‌نگاری‌ها و مذاکرات بسیار او با دست‌اندرکاران و مقامات دولتی شاهدهی بر این مدعاست. از آن جمله می‌توان به یکی از آخرین مکاتبات وی با نخست‌وزیر وقت ایران در سال ۱۳۳۷ اشاره کرد که بیانگر گوشه‌ای از علاقه او به فرهنگ ایران زمین است:

“... اگر چه کلیه طرح‌های مورد نظر خود را نتوانستم در ایران محقق سازم ولی توانستم کارهای مفیدی برای ایران انجام دهم: بنیان‌گذاری اداره خدمات باستان‌شناسی، تأسیس موزه باستان‌شناسی [ایران باستان] بازسازی ارزشمندترین ابنیه تاریخی، تهیه طرح‌های کلی دانشگاه تهران، ایجاد اداره انتشارات خدمات باستان‌شناسی که دیگر به جای زبان فرانسه از زبان فارسی استفاده می‌شود.

با این حال چند طرح که برایم بسیار با اهمیت بود بر موزه باستان‌شناسی تهران است. در این نامه بیشتر تأکید می‌گردد. احتیاج به تجدید نظر و تکمیل دارد. تجهیزات مورد نیاز آن هنوز تأمین نشده است. احتیاج به نصب شبکه برق و بهبود سایر مسائل ظاهری دارد که بسیار مورد توجه ایرانیان و خارجیان خواهد بود... سازماندهی مجدد و اقدام تازه برای معرفی مجموعه‌ها و انتشار کاتالوگ با ویرایش جدید و چاپ مطلوب همراه با تصاویر زیبا، سود هنگفتی برای تبلیغ ایران در خارج خواهد داشت. زیرا کاتالوگ‌های مناسب، فروش خوبی داشته و کلیکسیون‌های غیرحرفه‌ای آنها را نگهداری می‌کنند. اما برای حصول به چنین نتایجی، لازم است... اختیاراتی به بنده اعطا شود. تا بتوانم در پایان مدت اقامتم در ایران طرح‌های خود را به اتمام برسانم (۲: ۴۴۲).”

دستیار و مشوق گدار در طول دوران اقامت او در

2. Andre Godard

ایران، همسر دانشمندش، یادگار^۳ بود که در غالب سفرهای پژوهشی و اکتشافات باستان‌شناسی همراه او بود. حتی تصور کار عظیم گذار و همراهانش در راه

سودمند و کم اشتباه بیاییم.
یادگار برجسته و مهم گذار که با گذشت نزدیک به هفتاد سال کماکان قطب فرهنگی پایتخت محسوب

تصویر متن فرانسوی نامه گذار به نخست وزیر وقت در اواخر خدمت

COPIE

دربار شاهنشاهی

Téhéran, le 10 Mai 1958

A Son Excellence Monsieur Ala, Ministre de la Cour Impériale.

Si je ne craignais d'importuner Sa Majesté le Shahinshah, fort occupé avant son long voyage à l'étranger, je vous aurais, chère Excellence, exprimé le désir d'être reçu par Elle avant Son départ et de Lui dire combien j'ai été touché par l'insistance de Son Gouvernement à me garder en Iran, après plus de vingt-cinq années de présence active dans Son pays.

Malgré que j'aie été bien loin de réaliser tout ce que j'avais souhaité faire en Iran, j'ai pu mener à bien un certain nombre de travaux utiles au pays: la fondation des Services archéologiques, l'édification du Musée archéologique, la restauration des monuments historiques les plus précieux, les plans généraux de l'Université de Téhéran, la création des publications du Service archéologique, qui ont cessé de paraître en langue française mais continuent d'exister en langue persane, etc...

Cependant plusieurs projets qui m'étaient particulièrement chers ont été abandonnés, à mon très grand regret, et je sais que je ne pourrai les réaliser qu'avec l'appui direct de Sa Majesté Impériale. C'est du Musée archéologique de Téhéran que je veux surtout parler dans cette lettre. Il a déjà vingt années d'existence, devrait être entièrement revu, perfectionné, et n'a d'ailleurs jamais été terminé. L'éclairage de nuit devrait y être installé, amélioration spectaculaire qui serait fort appréciée du public iranien comme du public étranger. Le chauffage des salles d'exposition et le conditionnement de l'air, également désirables, obtiendraient le même succès. La réorganisation et un nouvel effort de présentation des collections, ainsi que la publication d'un catalogue réétudié, bien édité et orné de belles illustrations seraient un apport considérable à la propagande iranienne à l'étranger, car les beaux catalogues s'achètent bien et les amateurs d'arties conservent. Mais, pour parvenir à ces résultats, il me faudrait disposer d'une autorité que seule Sa Majesté Impériale peut me conférer en manifestant son intérêt pour mes projets. C'est avec l'espoir de les faire aboutir que j'essaimrai de rester encore quelque temps en Iran.

Permettez-moi, Monsieur le Ministre de la Cour, de vous remercier de la bonne grâce et de l'obligeance que j'ai toujours rencontrées chez Vous, et agréés, je vous prie, l'assurance de mes sentiments très dévoués.

(Sgn) André Godard.

می شود، دانشگاه تهران است. نقشه عمومی دانشگاه تهران و برخی دانشکده‌ها و تالارهای آن، از آثار برجای مانده آن‌دره گذار است (۴:۳۳۵).

سفر به تمام نقاط کشور پهناور ایران و با امکانات اندک آن زمان (دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ شمسی) کار آسانی نیست، به خصوص زمانی که بانگامی کارشناسانه به آثار و یادداشت‌های او نظر بیفکنیم و هنوز آنهارا دقیق،

3. Yadda Godard

موزه مردم‌شناسی، که در محوطه کاخ گلستان واقع شده، نیز از جمله بناهایی است که گذار در ساخت و راه‌اندازی آن دخالت داشته است. نمونه‌های متعدد دیگری در تهران و سایر شهرها می‌شناسیم که در زمان ریاست گذار بر اداره عتیقه‌جات و موزه ایران باستان افتتاح گردیده است.^۴ وی نخستین رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز بود و در سال ۱۳۳۷ موفق به دریافت دکترای افتخاری از همین دانشگاه گردید (۱۳۸۱: ۴۲۱).

طراحی و معماری نخستین ساختمان کتابخانه ملی ایران

ساختمان قدیمی کتابخانه ملی که در خیابان سی تیر تهران واقع شده از جمله بناهای مهمی است که طرح و نقشه آن را آندره گذار کشیده است. در سال ۱۳۱۲ شمسی، وزیر فرهنگ وقت، مأمور احداث موزه در محوطه میدان مشق می‌شود. تهیه نقشه جامع موزه و ساختمان‌های مربوط به آندره گذار و اگذار می‌شود. پس از اتمام نقشه، آن را به رضاخان جهت تأیید نشان می‌دهند. خوی استبدادی رضاخان در این هنگام نمایان گشت و متأسفانه نقشه‌ای که به اعتراف علی‌اصغر حکمت (۱۲۷۱-۱۳۵۹) وزیر فرهنگ وقت، شاهکار و در نوع خود بی‌نظیر بود، به بهانه اسراف در زمین‌های شهر تهران! به کنار گذاشته می‌شود و وزیر نیز مورد توبیخ قرار می‌گیرد.^۵ در همان سال، قطعه زمینی در گوشه شمال غربی میدان مشق برای کتابخانه در نظر گرفته می‌شود. این بار هم آندره گذار مأمور تهیه نقشه‌ای که متناسب با معماری موزه باشد، می‌شود و نهایتاً ساختمان کتابخانه ملی همانند موزه ایران باستان در سال ۱۳۱۶ افتتاح می‌گردد (۱۳۸۱: ۵۷).

با توجه به اظهار نظرهای موجود، نقشه نخستین گذار برای کتابخانه ملی (هر چند که او کتابخانه را برای

موزه در نظر گرفته بود، نظیر کتابخانه بریتانیا که از ابتدا جزئی از موزه به شمار می‌رفت) با توجه به وسعت فضای پیشنهادی، نقشه‌ای کامل تر بوده است. به همین دلیل مدت کوتاهی پس از افتتاح کتابخانه ملی، نیاز به گسترش فضای کتابخانه کاملاً محسوس بود به نحوی که در آرشیوهای موجود، مکاتبات متعددی از جانب مرحوم مهدی بیانی (۱۲۸۵-۱۳۴۶)، ریاست وقت کتابخانه ملی، با آندره گذار صورت پذیرفته است که در آنها نیاز به افزایش فضای کتابخانه اشاره شده است. بالاخره در اواخر دهه ۱۳۳۰، دست اندرکاران کتابخانه مجبور به احداث ساختمان ضمیمه‌ای در ضلع شرقی محوطه کتابخانه می‌شوند. زیربنای ساختمان کتابخانه بر مبنای نقشه گذار، ۵۰۰ متر مربع و پس از احداث ساختمان الحاقی، بالغ بر ۱۰۰۰ متر مربع بوده است (۱۳۸۱: ۶۴).

گذار در نمای بیرونی ساختمان موزه از طاق کسرا الهام گرفته است. در ساخت بنای کتابخانه، اهمیت گذار به یکنواختی و تجانس آن با ساختمان موزه مثال‌زدنی است. او در انتخاب نوع مصالح و دیگر مسائل مرتبط با معماری نهایت دقت را به کار برد. به گونه‌ای که پس از گذشت ۶۵ سال از احداث بنای کتابخانه ملی، همچنان استوار و باشکوه می‌نماید.

شاید بتوان ادعا کرد در صورت عمل به نقشه اولیه و جامع گذار برای موزه و کتابخانه، بسیاری از مشکلات پدیدآمده در سال‌ها و بلکه دهه‌های بعد رخ نمی‌داد. ارتباط گذار با کتابخانه ملی فقط در احداث بنای آن خلاصه نمی‌شود. در سالیان بعد نیز همواره از وجود او به عنوان فردی مطلع و صاحب‌نظر استفاده شده است. از جمله ماجرای کتاب‌هایی است که نزد

۴. مشهورترین اثر بر جای مانده از گذار در سایر شهرهای ایران، آرامگاه حافظ در شیراز است.

۵. عبارتی را که علی‌اصغر حکمت در بیان افسوس خود نگاشته، جالب توجه است: «با این پیشامد اسف‌انگیز، نقشه شاهکار مهندس فرانسوی نقش بر آب شد و قصرهای موهومی که وزیر معارف در اسپاتیای خیال ساخته بود، نابود گردید (۱۳۸۱: ۵۲).»

۵۰ سال به پارسی برگردانده شد! جزوه اول از جلد اول در سال ۱۳۱۴ با ترجمه مرحوم رشید یاسمی (۱۲۷۴-۱۳۳۰) و جزوه دوم و سوم با ترجمه محمدتقی مصطفوی (۱۲۸۴-۱۳۵۹) و ویراستاری علمی پاشا صالح (۱۲۸۰-۱۳۶۹) در سال ۱۳۱۶ منتشر شد (تصویر ۳) در فاصله انتشار این جزوه که ناشر آن وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود با ۵ جزوه باقی مانده که در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسید، بخش‌های پراکنده‌ای از کتاب آثار ایران به صورت مقاله در نشریات فارسی زبان انتشار یافت. از آن جمله می‌توان به ترجمه‌های ابراهیم شکورزاده (۱۳۰۳-۱۳۸۱) در نشریه نامه آستان قدس اشاره کرد که در ۷ قسمت به بررسی ناحیه ریاط شرف (بین سرخس و مشهد) پرداخته است. این مقاله‌ها از شماره ۲۶ نامه آستان قدس (بهمین ۱۳۴۶) تا شماره ۳۶ (خرداد ۱۳۵۲) ادامه یافت. ضمن آنکه در شماره ۲۴ همین نشریه و از همین مترجم، بخش دیگری از آثار ایران به عنوان "مصلای طرق و مشهد" به چاپ رسیده بود. مقاله "میل اهنگان" بخش دیگری از جلد چهارم آثار ایران بود که با ترجمه مرحوم تقی بینش (۱۳۰۰-۱۳۷۵) در نشریه فرهنگ خراسان، اسفند ۱۳۴۱ درج گردید (میل اهنگان یا اهنگان در ۲۰ کیلومتری شمال شهر مشهد واقع شده و جزو بناهایی محسوب می‌شود که برای آرامگاه‌ها و مقبره‌ها ساخته می‌شده است). همان‌گونه که ذکر شد، پنج جزوه باقیمانده آثار ایران در سال ۱۳۶۵ با ترجمه ابوالحسن سروقدم (۱۳۱۸-۱۳۷۷) و توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به چاپ رسید.

در تدوین کتاب ارزشمند آثار ایران، گذار علاوه بر همسرش از محققان و ایران‌شناسان برجسته دیگری نیز سود برده است. از آن جمله است: ماکسیم سیرو، پل پلویو و مایرون اسمیت.

دانشسرای عالی امانت بود و در جلسه‌ای با حضور گذار و ۳ نفر دیگر از صاحب‌نظران، تصمیم به انتقال این مجموعه به کتابخانه ملی گرفته می‌شود (۳: ۶۷).

آثار و تألیفات

از گذار، کتاب‌ها و مقالات متعددی بر جای مانده است. اما آنچه نوشته‌های او را ارزشی مضاعف می‌بخشد، سبک و شیوه او در گردآوری اطلاعات است. آنچه در آثار گذار منعکس گردیده است، سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر در راه شناسایی آثار و ابنیه تاریخی ایران از آذربایجان و کوه‌های صعب‌العبور آن گرفته تا بیابان‌های خشک و لم یزرع مرکزی ایران و سرزمین پهناور خراسان است. چه بسا اگر همت و اراده و به بیان بهتر عشق او به سرزمین ایران نبود، بسیاری از آثار و ابنیه نابود و یا دست‌کم به وادی فراموشی سپرده می‌شد.

گذار نتیجه اکتشافات و تحقیقات وسیع خود را از سال ۱۳۱۵ در قالب جزواتی میلانه به زبان فرانسه منتشر کرد و بر آن آثار ایران نام نهاد. این اثر گرانبها که در ۸ جزوه بود ولی در ۴ مجلد به چاپ رسید، در طی

ترانه مسکرونا

آثار ایران

دانشسرای عالی امانت

دانشسرای عالی امانت

دانشسرای عالی امانت

دانشسرای عالی امانت

دانشسرای عالی امانت

تصحیح و اصلاح: علی‌اکبر صالحی، رئیس‌جمهور ایران



۱۳۱۸ خورشیدی

جلد اول - جزوه دوم

۱۳۸۱

فعالیت های گذار به ایران منحصر نمی شد. او در راستای مطالعات شرق شناسی خود؛ به کشورهای عراق، سوریه، اردن، مصر، هند و افغانستان هم سفر

مرحوم ابوالقاسم سبحان (۱۲۶۵-۱۳۳۵) در کتاب فرهنگ خاورشناسان و در ذیل مدخل گذار، اشاره به مجله ای با نام راهنمای تاریخی ایران می کند که اصل آن به زبان فرانسه بوده و رشید یاسمی آن را به فارسی ترجمه کرده است و در ادامه به ذکر کتاب دیگری با عنوان آثار ایران باستان از آندره گذار می پردازد (۱۴۶:۵). به نظر می رسد تفکیک این دو اثر از یکدیگر اشتباه بود و هر دوی اینها در واقع همان آثار ایران است.

ARS ASIATICA
 FUNDÉ ET DIRIGÉ PAR P. H. RAU ET G. H. RAVENSTEIN
 ET AVEC LE PATRONAGE DE L'ÉCOLE FRANÇAISE D'EXTRÊME ORIENT
 XVII
 LES BRONZES
 DE
 LURISTAN

PAR
 ANATOLE GODARD
 AVEC UN AVANT-PROPOS DE M. ABEL BRUNNEN

PARIS
 LES ÉDITIONS G. VAN OEST
 1911



نکته مهمی که درباره آثار ایران باید دانست، دامنه موضوعی آن است. زیرا این کتاب نه تنها به بحث درباره بناهای ایران می پردازد، بلکه مباحثی در زمینه نسخه های خطی و دیگر اشیای هنری، نظیر کوزه و ظروف سفالی و فلزی و غیره را هم در برمی گیرد.

طاق های ایرانی، نام کتاب دیگری از آندره گذار است که در سال ۱۳۶۹ با ترجمه کرامت الله افسر به پارسی برگردانده شد. انواع قوس ها، طاق بندی ها، گنبدها و مقرنس ها از روزگاران گذشته تا عصر نویسنده در نقاط مختلف ایران و در معابد، مساجد، آتشکده ها، کاخ ها، آب انبارها و حتی خانه ها در این کتاب بررسی شده است.

مقالات متعدد دیگری از گذار در نشریاتی چون: هنر و مردم، تعلیم و تربیت (نشریه ماهانه وزارت معارف) و یادگار (به سرپرستی عباس اقبال آشتیانی) ترجمه شده و به چاپ رسیده است. به دلیل جایگاه والای گذار در عرصه علمی و فرهنگی، سخنرانی هایی که او در مجامع مختلف ایراد می کرد نیز در پاره ای منابع آورده شده است.

در بررسی آثار ایران شناسی به زبان فرانسه، نام گذار از هر نام دیگری بیشتر به چشم می آید. از جمله کتاب های معروف او می توان به اشیای برنزی لرستان اشاره کرد که در سال ۱۹۳۱ میلادی در پاریس به چاپ رسید V.

کرد. رهاورد سفر او به افغانستان، کتابی بود که با عنوان آثار باستانی بودایی در بامیان که در سال ۱۹۲۸ به زبان فرانسه منتشر گردید (۱:۲۱۶).

آندره گذار تنها در حوزه فرهنگ و هنر سرشناس نبود، او در مسائل سیاسی و اجتماعی هم از شهرت

MEMBRE DE LA DÉLÉGATION ARCHÉOLOGIQUE FRANÇAISE
 EN AFGHANISTAN

TOME II

Les

Antiquités Bouddhiques
 de Bamiyān

A. GODARD, E. HAECKER
 AVEC DES NOTES AÉROGRAPHIQUES DE M. PAUL PELLIOT

PARIS ET BRUXELLES
 LES ÉDITIONS G. VAN OEST



آندره گذار، معمار نخستین ساختمان کتابخانه ملی ایران

1937, P.349-351.

"Djamalabad" *Athar-e-Iran*, 1938, P.277-289

"Les fouilles en Perse". *Beaux- Arts*, No. 86, 1934, P.1-2.

"Ghazni". *Syria*, 1925, P. 58-60.

"Ghazni: premiers resultats de la mission archeologique francaise en Afghanistan".

Geuthner, 1925, P.11.

"Historique du Masdjid-e Djum'a d'Isfahan"

Athar-e Iran, 1936, P.213-282; 1938, P.315-327.

"L'inscription du minaret de Mas'ud III

Ghazni". *Athar-e Iran*, 1936, P. 367-369.

"Isfahan". *Athar-e Iran*, 1937, P.7-176.

"Khorasan: Rabat Sharaf, La Nizamiye de

Khargird, Les mosques de Foramad et de

Zawzan, Les musallas de Turuk et de

Meshhed,

Le Mil-e Ahangan, conclusion". *Athar-e*

Iran, 1949, P.1-152.

"Le Masdjid-e Djum'a de Niriz". *Athar-e*

Iran, 1937, P.63-172.

Les Monuments de Maragha. Paris: publica-

tions de la Societe des Etudes Iraniennes et de

L'art persan, 1934.

"Les monuments du feu". *Athar-e Iran*, 1938,

P.49-58.

"La Mosquee du vendredi". *L'Oeil*, No. 19-

20 1956, P. 45-49.

"Le Musalla de Yazd". *Athar-e Iran*, 1938, P.

326-327.

"Natanz (Prorince de Kashan)". *Athar-e Iran*,

1936, P.75-106.

"Notes Complementaires sur les tombeaux de

Maragha (Azarbaïdjan)". *Athar-e Iran*, 1936,

P.125-160.

"Notes epigraphiques sur les minarets

نیکی برخوردار بود. به نحوی که در خلال سال‌های جنگ دوم جهانی و در زمان اشغال فرانسه از سوی آلمان نازی، نهضت مقاومت ملی فرانسه، وی را به عنوان نماینده خود در ایران برگزید. در این مدت، گدار دست به انتشار نشریه‌ای به نام فرانسه آزاد زد که در تهران منتشر می‌شد (۷:۶). گدار در سال ۱۹۶۵ میلادی و در سن ۸۴ سالگی در فرانسه درگذشت.

کتابشناسی آثار گدار به زبان فرانسه

"Abarkuh: province de Yazd". *Athar-e Iran*, 1936, P.47-72.

"Les anciennes mosques de l'Iran". *Athar-e Iran*, 1936, P. 185-210

Les antiquites bouddhiques de Bamiyan. paris, Bruxelles:

Les Editions G. Van Oest, 1928.

"L'architecture iranienne a l'epoque Islamique

Jardin des arts, No. 8 (octobre 1961), P. 3-13.

"Ardistan et Zaware". *Athar-e Iran*, 1936, P. 285-309.

"L'art de la perse ancienne". *Nouvelle Histoire universelle de l'Art*, 1932, P.167-189.

"L'art Musulman et les genies nationaux". *Cahiers d'Histoire Mondiale*, 1954, P.558-570.

"Ateshkah d'Isfahan". *Athar-e Iran*, 1937, P.164-165.

"Badr Neshandi: Sanctuaire de L'epoque arascide". *Athar-e Iran*, 1949, P.153-16.

"Bassin de cuivre au nom de shaikh". *Athar-e Iran*, 1936, P.371-373.

Les Bronzes de Luristan. Paris: Les Editions G. vanoest, 1931.

"Correction aux textes epigraphiques publies dansle tome I de la Revue de *Athar-e Iran*,

1947, P.531-550.

"Les travaux de persepolis". *Mellanges E. Herzfeld*, P.119-128.

"Le tresor de ziwiyé". *Compte rendu...*, 1949, P. 168-172.

"Voutes iraniennes". *Athar-e Iran*, 1949. P. 187-360.

ماخذ

۱. ابوالحمد، عبدالحمید؛ پاکدامن، ناصر. کتابشناسی تمدن ایرانی در زبان فرانسه، ج. ۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

۲. اسنادی از باستانشناسی در ایران: حفاریات، تحقیقات و بناهای تاریخی. تهران: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، ۱۳۸۰.

۳. پورا احمد جکتاجی، محمدتقی. تاریخچه کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۷.

۴. حکمت، علی اصغر. سی خاطره. تهران: وحید، ۱۳۵۵.

۵. سحاب، ابوالقاسم. فرهنگ خاورشناسان. تهران: شرکت طبع کتاب، ۱۳۱۷.

۶. گذار، آندره. آثار ایران. ترجمه ابوالقاسم سروقد مقدم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۷. گذار، آندره. دایرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲، ص ۲۳۶۸.

۸. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ تحول دانشگاه تهران... تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۱۲

d'Isfahan". *Athar-e Iran*, 1936, P.359-361.

du congres International des orientalistes, XXIeme, P.151-153.

"Notes sur d'anciennes mosques de L'Iran" *Congres International d'art et d'archeologie iraniens*. Leningrad, 1935, P. 70-78.

"L'origine de la Madrasa, de la Mosquee et du Caravanserail a quatre ivans". *Ars Islamica*, 1951, P.1-9.

"Persepolis". *Compte rendu des seances de L'Academie des Inscriptions et Belles- Lettres*, 1964, P. 260-270.

"Persepolis, la Tatchara". *Syria*, 1951, P.62-69.

"A propos du tresor de ziwiyé". *Artibus Asiae*, vol. 14, 1951, P. 240-245.

"Les quatre chahar taqs de la vallee de Djerre". *Athar-e Iran*, 1938, P.169-178.

"Les recentes fouilles archeologiques en Perse".

Revue des Arts asiatiques, 1934, P.111-115.

"Les statues parthes et shami". *Athar-e Iran*, 1397, P.285-305.

"Statuette du Dieu de la ville de Du-shutir gazi". *Athar-e Iran*, 1938.

"Le Tari Khana de Damghan". *Gazette des Beaux- Arts*, 1934, P.225-235.

"Le tombeau de Mawlana Nasar Kashi a sultaniye". *Arts asiatiques*, 1954, P.23-29.

"Le tombeau de Baba Kasem et la Madrasa Imami". *Athar-e Iran*, 1949, P.165-183.

"Les tours de Ladjim et de Resget Mazandara" *Athar-e Iran*, 1936, P. 109-112.

"Travaux de degagement des palais de persepolis

en Iran". *Compte rendu des seances de L'Academie des Inscriptions et Belles- Lettres*,